

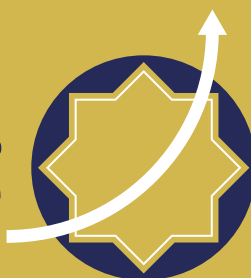
غرب آسیا

منطقه نبرد دو جبهه نظم ساز

بررسی و تحلیل تحولات منطقه پس از عملیات طوفان الاقصی

پاییز ۱۴۰۴

مرکز تحلیل
راهبردی و بین الملل





فهرست

صفحه	عنوان
۱	پیشگفتار
۲	فصل اول/ منطقه غرب آسیا، خط مقدم درگیری دو جبهه نظم ساز
۳	مقدمه
۴	دلالت های تغییر نظم برای رژیم صهیونیستی
۵	تثبیت موجودیت رژیم صهیونیستی در منطقه و حرکت به سمت انزوای ایران
۷	طوفان الاقصی، برهم زننده طرح بزرگ غرب
۷	برهم زدن پروژه عادی سازی
۸	انزوای رژیم صهیونیستی
۱۰	شکست تئوری شکست ناپذیری رژیم صهیونیستی
۱۰	تغییر نگاه چین به درگیری با رژیم صهیونیستی
۱۱	فصل دوم/ بررسی علل و ابعاد طوفان الاقصی و وقایع پس از آن
۱۲	علل انجام عملیات طوفان الاقصی
۱۳	اهداف رژیم صهیونیستی پس از عملیات طوفان الاقصی
۱۳	نابودی حماس
۱۴	کوچ اجباری ساکنان نوار غزه
۱۵	الحاق کرانه باختری
۱۶	آزادسازی اسرا
۱۶	ورود حزب الله لبنان به درگیری با رژیم صهیونیستی
۱۹	درگیری میان یمن و رژیم صهیونیستی
۱۹	جلوگیری از تردد کشتی های صهیونیستی
۱۹	مقابله رژیم صهیونیستی با یمن
۲۰	ورود آمریکا و انگلیس برای جبران ناتوانی رژیم در مقابله با یمن
۲۱	جنگ با ایران، حاصل ادراک غلط رژیم صهیونیستی و آمریکا
۲۲	حمله به ایران از زاویه ایالات متحده
۲۳	توافق آتش بس میان حماس و رژیم صهیونیستی
۲۳	طرح پیشنهادی ترامپ برای آتش بس
۲۴	بیانیه حماس در واکنش به طرح پیشنهادی ترامپ
۲۵	دستیابی به توافق آتش بس
۲۷	جمع بندی





بسمه تعالی

پیشگفتار

روز ۷ اکتبر ۲۰۲۳ میلادی، عملیاتی توسط جنبش حماس با نام «طوفان الاقصی» انجام گرفت که صحنه سیاسی و اجتماعی دنیا را دگرگون کرد. پس از این اقدام، اتفاقات و حوادث متعددی در دنیا، به ویژه در منطقه غرب آسیا حادث شد که مبدا آن عملیات طوفان الاقصی است.

بررسی و تحلیل علل انجام عملیات طوفان الاقصی و سلسله حوادث پس از آن، از چند منظر حائز اهمیت است؛ ابتدا این که جبهه مقاومت در این نبرد دوساله (که دارای ابعاد گوناگونی بود) پیروز شده است یا رژیم صهیونیستی. همچنین دید مناسبی نسبت به آینده رژیم صهیونیستی می‌دهد. اما مهم‌ترین وجه، تحلیل وقایع از منظر تغییر نظم جهانی است؛ لذا در فصل اول این گزارش به تحلیل کلان وقایع و در فصل دوم، به بررسی علل شکل‌گیری و تحلیل هرکدام از وقایع به صورت جداگانه خواهیم پرداخت.





فصل اول

منطقه غرب آسیا،
خط مقدم درگیری دو جبهه نظم ساز





مقدمه

عملیات طوفان الاقصی و وقایع پس از آن، به لحاظ راهبردی اثرات متعددی داشت که پس از آن دیگر منطقه به حالت قبل باز نخواهد گشت. این امر به مختصات و چارچوب شکل‌گیری اتفاقات و همچنین مقطع زمانی مهم باز می‌گردد. اکنون جهان در حال گذار به سوی نظامی جدید و شاهد درگیری میان دوجبهه بر سر شکل‌دهی به آن است. منطقه‌ی غرب آسیا نیز به عنوان یکی از مهم‌ترین مناطق ژئوپولتیک جهان، محل درگیری میان دو نظم است.

رژیم صهیونیستی نیز این موضوع را به خوبی درک کرده و اقدامات خود را در چارچوب تامین منافع خود در نظم جدید برنامه‌ریزی و اجرا می‌کند. «موسسه مطالعات امنیت ملی» (INSS) که مهم‌ترین مرکز سیاست‌پژوهی و تصمیم‌سازی اسرائیل است، در سند منتشر شده خود درباره توصیه‌های سیاستی امنیت ملی رژیم صهیونیستی، نبرد کنونی جهان را نبرد میان دوجبهه عنوان می‌کند. جبهه بازیگران خواهان حفظ نظم فعلی (جهان غرب) در مقابل بازیگران خواهان تغییر نظم. در بخشی از این گزارش به این موضوع اشاره و بیان می‌کند:

«جبهه مقاومت جهانی که توسط رهبر ایران ابداع شد، اکنون شامل چین، روسیه، ایران، کره شمالی و افراط‌گرایان جهانی (CRINGE) می‌شود. این بازیگران علیرغم اختلافات عمیق ایدئولوژیک، منافع متضاد و اصطکاک متقابل، در چالش خود با جهان دموکراتیک-لیبرال متحد هستند. بخش قابل توجهی از کشورهای در حال توسعه به اصطلاح «غیرمتعهد» تلاش می‌کنند تا در هر دو طرف بازی کنند. ایران «محور مقاومت» را رهبری می‌کند، ائتلافی که اساساً با وجود اسرائیل مخالف است و به طور فعال برای نابودی آن تلاش می‌کند.»

همچنین درگیری‌های منطقه غرب آسیا را نه صرفاً درگیری بازیگران منطقه‌ای، بلکه محل اصلی نزاع دوجبهه مزبور دانسته و بیان می‌کند:

«درگیری در خاورمیانه و مبارزه برای شکست به اصطلاح «محور مقاومت» عمیقاً با تحولات جهانی و مبارزه گسترده تر برای هژمونی جهانی مرتبط است. اسرائیل باید قاطعانه خود را با اردوگاه لیبرال-دموکرات‌ها که به طور سنتی آرزوی جهانی مبتنی بر هنجارها، قوانین و توافقات را دارند، همسو کند.»

ابعاد این درگیری نیز صرفاً منحصر در بُعد نظامی نیست و دارای ابعاد گوناگون سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و... نیز است. این سند در بیان اهمیت این نبرد عنوان می‌کند:

«همانطور که جنگ روسیه و اوکراین به میدان نبرد محدود نمی‌شود، جنگ در خاورمیانه نیز به عرصه فیزیکی محدود نمی‌شود. در واقع، این دو درگیری طولانی‌مدت احتمالاً به عنوان رویارویی‌های جهانی محوری تلقی خواهند شد که مسیر نیمه اول قرن بیست و یکم را شکل خواهند داد.»



دلالت‌های تغییر نظم برای رژیم صهیونیستی

تمام اقدامات رژیم صهیونیستی در یک دهه اخیر و به ویژه پس از طوفان الاقصی را می‌توان در راستای تغییر نظم تحلیل کرد. این رژیم با عنایت به این که نظم جهانی در حال تغییر است و باید در پنجره فرصت پیش‌رو جایگاه خود را در منطقه و جهان تثبیت کند، اهدافی را برای خود ترسیم کرده است.

طبق تعریف صهیونیست‌ها، دشمن اصلی این رژیم، جمهوری اسلامی ایران است؛ به این دلیل که اصلی‌ترین بازیگر خواهان تغییر نظم جهانی در منطقه است که وارد هم‌افزایی با سایر بازیگران جهانی شده؛ همچنین اراده و توان مقابله و نابودی رژیم صهیونیستی را نیز دارد.

«موسسه مطالعات امنیت ملی» اسرائیل در سند راهبرد امنیت ملی خود بیان می‌کند:

«دشمن اصلی اسرائیل، به اصطلاح «محور مقاومت» است. در این طرح استدلال می‌شود که هدف استراتژیک این کارزار باید ایجاد یک نیروی منطقه‌ای قدرتمند در برابر محور مقاومت، با حمایت فعال ایالات متحده، شکست دادن محور مقاومت و ایجاد یک معماری منطقه‌ای پایدار باشد.»

از این رو رژیم صهیونیستی هدف خود را تضعیف ایران ترسیم کرده و بیان می‌کند:

«تضعیف محور ایران و حماس، اسرائیل را با فرصت‌های متنوعی روبرو می‌کند. احتمالاً برای اولین بار، پتانسیلی برای دنبال کردن یک دیدگاه سیاسی-امنیتی جسورانه وجود دارد: حل مناقشه اسرائیل و فلسطین از موضع قدرت و در عین حال تعمیق روابط استراتژیک با کشورهای خلیج فارس به منظور تضعیف و منزوی کردن ایران. چنین شبکه‌ای می‌تواند پایه و اساس یک بلوک منطقه‌ای را بنا نهد که جایگاه جهانی اعضای آن را ارتقا بخشد.»

اقدام نظامی علیه ایران در مواقع ضروری، اقدامات امنیتی و همچنین تلاش برای حفظ فشار اقتصادی بر ایران را نیز راهکار نیل به سمت این هدف می‌دانند.

«[در صورت بحرانی شدن زمان] گریز هسته‌ای ایران، این امر مستلزم یک پاسخ نظامی فوری، در حالت ایده‌آل با هماهنگی ایالات متحده، خواهد بود.... [همچنین باید ایران را به] یک بن‌بست طولانی [کشاند] و فشار اقتصادی و عملیات مخفی باید برای تضعیف رژیم ادامه یابد»



تثبیت موجودیت رژیم صهیونیستی در منطقه و حرکت به سمت انزوای ایران

به موازات مقابله با جمهوری اسلامی ایران، رژیم صهیونیستی باید جبهه منطقه‌ای خود را نیز گسترش داده و بتواند سایر بازیگران را با خود همراه و ایران را در انزوا قرار دهد. همچنین افزایش همراهی کشورهای منطقه با رژیم صهیونیستی، موجودیت این رژیم را در منطقه تثبیت و به تبع آن نظم غربی را در منطقه حاکم خواهد کرد. اما این موضوع از بدو شکل‌گیری رژیم صهیونیستی، چالش اساسی غرب بوده است. برای بررسی این موضوع باید به گذشته بازگردیم.

در واقع طراحی غرب (ابتدا انگلیس و سپس آمریکا) دلیل اصلی به وجود آمدن رژیم صهیونیستی بوده است. منطقه‌ی غرب آسیا، جزو مهم‌ترین مناطق ژئوپولیتیک جهان است زیرا سه قاره‌ی آسیا، آفریقا و اروپا را به یکدیگر وصل می‌کند و همچنین عمده‌ی منابع انرژی جهان نیز در این منطقه قرار دارد. در نتیجه علیرغم ادعای مقامات صهیونیست مبنی بر پیشینه تاریخی و آرمانی برای تشکیل رژیم صهیونیستی، علت حمایت غرب (به ویژه آمریکا) از تشکیل این رژیم، کاملاً واقع‌گرایانه و به منظور کنترل منطقه‌ی غرب آسیا و شمال آفریقا در تمام ابعاد سیاسی، امنیتی و اقتصادی است. «برژینسکی»، مشاور امنیت ملی آمریکا در زمان ریاست جمهوری «کارتر»، در کتاب خود درباره اهمیت منطقه بیان می‌کند که اگر کشورهای اسلامی در این منطقه با یکدیگر متحد شوند، یک حوزه ژئوپولیتیک جدید شکل می‌گیرد که از سایر حوزه‌های ژئوپولیتیک قوی‌تر خواهد بود.

لذا غرب برای جلوگیری از این موضوع و همچنین جلوگیری از ایجاد حکومتی مانند امپراطوری عثمانی، به این نتیجه رسید که باید یک کشور نامتجانس با منطقه (غیر عرب و غیر مسلمان) ایجاد و از آن حمایت کند تا مانند شمشیری بر سر سایر کشورهای منطقه باشد و بتواند آن‌ها را با غرب هم‌گرا کند. هدف آن‌ها ایجاد کشورهای خرد و ناتوان وابسته به غرب و متفرق است؛ در نتیجه غرب می‌تواند بر این منطقه کنترل داشته باشد. سابقاً نیز در زمان جنگ‌های صلیبی غربی‌ها با همین آسیب‌شناسی درصدد ایجاد یک کشور مسیحی در این منطقه برآمده بودند؛ اما به دلیل کاهش اقبال به دین مسیحیت در منطقه، موفق نشدند.

ایالات متحده برای تثبیت این راهبرد، موضوع عادی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی در دو سطح سیاسی و اقتصادی را در دستور کار خود قرار داد. سرانجام «انور سادات»، رئیس‌جمهور مصر اولین رئیس یک کشور مسلمان و عربی بود که به صلح با رژیم صهیونیستی و به رسمیت شناختن آن اقدام کرد. انور سادات پس از سرخوردگی از شکست در برابر رژیم صهیونیستی و اتخاذ سیاست نزدیکی به غرب، در ژوئیه ۱۹۷۷ میلادی اعلام کرد در ازای خروج نیروهای رژیم صهیونیستی از سرزمینهای اشغالی صحرای سینا، حاضر به امضای قرارداد صلح با رژیم اشغالگر قدس خواهد بود.





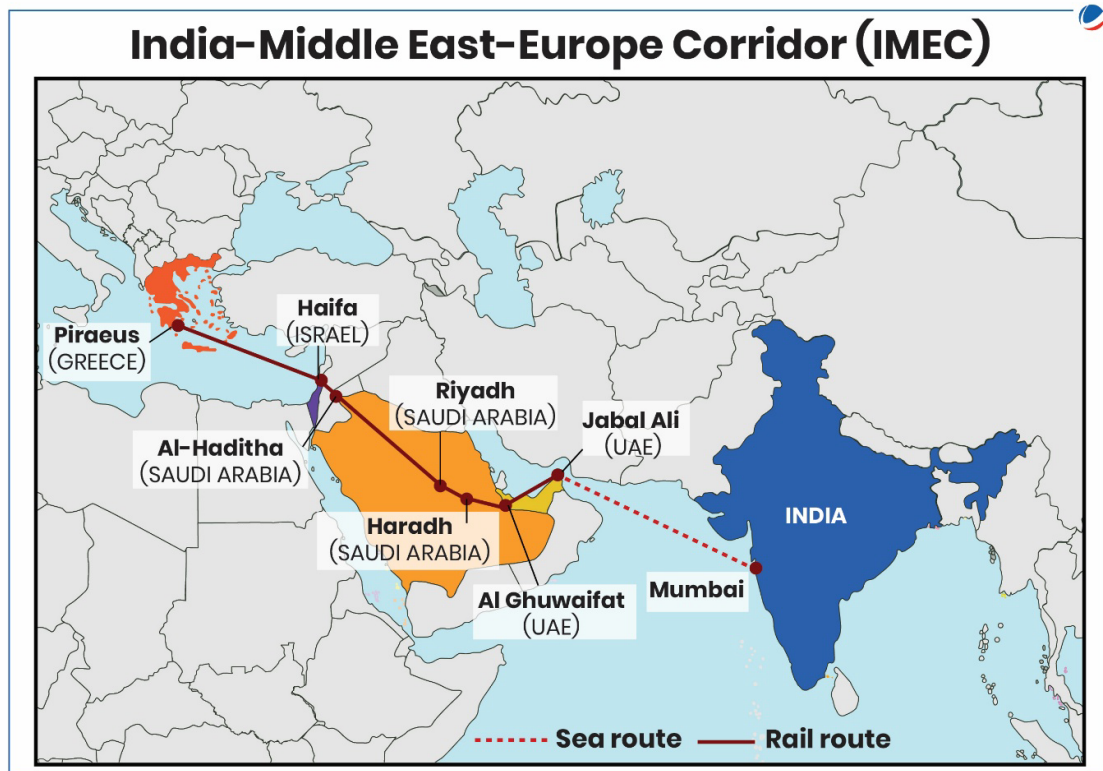
انورسادات چهار ماه بعد در ۱۹ نوامبر ۱۹۷۷ در سفری به سرزمینهای اشغالی فلسطین با مقامات رژیم صهیونیستی دیدار و در پارلمان رژیم سخنرانی کرد. این حرکت از سوی کشورهای عربی و نیز سازمان آزادیبخش فلسطین به عنوان تسلیم محض قلمداد گردید و به شدت محکوم شد. با این حال مذاکرات صلح میان سران دو رژیم با میانجیگری امریکا ادامه یافت. به دنبال این امر، در هفدهم سپتامبر ۱۹۷۸ ضمن ملاقات روسای جمهوری امریکا و مصر و نخست وزیر رژیم صهیونیستی در کمپ دیوید امریکا، انور سادات با امضای موافقت نامه‌ای، زمینه انعقاد پیمان کمپ دیوید در ۲۶ مارس سال ۱۹۷۹ را فراهم آورد. به موجب این قرارداد، پس از تخلیه صحرای سینا از نیروهای صهیونیستی، صلح نهایی میان دو رژیم منعقد شد. همچنین در این قرارداد به تشکیل حکومت خودمختار فلسطینی نیز اشاره شد که بعدها به آن نیز عمل نشد. این قرارداد از سوی تمامی کشورهای اسلامی و عربی محکوم شد و بسیاری از این کشورها، روابط سیاسی خود را با رژیم مصر قطع کردند.

پیمان کمپ دیوید پس از دوازده روز مذاکرات مخفی و با میانجی‌گری ایالات متحده آمریکا نهایی شد و در تاریخ ۱۷ سپتامبر ۱۹۷۸ با حضور جیمی کارتر، رئیس‌جمهور وقت ایالات متحده آمریکا در کاخ سفید به امضای نهایی رسید. پس از پیمان کمپ دیوید، آمریکا مجدداً سعی در وارد آوردن فشار به کشورها برای عادی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی داشت. در ابتدای امر این عادی‌سازی در لایه‌های پنهان شروع به انجام گرفت اما برای محقق شدن اهداف آمریکا و همچنین تامین امنیت رژیم صهیونیستی، باید این عادی‌سازی‌ها به صورت علنی انجام می‌شد. در زمان ریاست جمهوری ترامپ در آمریکا، موضوع عادی‌سازی با رژیم صهیونیستی تحت عنوان «پیمان ابراهیم» در دستور کار قرار گرفت و در نهایت، در بعد سیاسی هیات‌های عالیرتبه رژیم صهیونیستی و امارات متحده عربی و بحرین روز ۱۵ سپتامبر ۲۰۲۰ توافقنامه صلح را که با میانجیگری آمریکا به دست آمد در کاخ سفید امضا کردند. سپس سوئدان، مراکش و اردن نیز به این پیمان پیوستند. البته اردن در سال ۱۹۹۴ روابط سیاسی خود با رژیم صهیونیستی را عادی‌سازی کرده بود اما به توافق ابراهیم نیز پیوست.

در حوزه اقتصاد نیز علاوه بر پیوست‌های اقتصادی توافق ابراهیم، ایالات متحده طرح‌های دیگری را نیز جهت افزایش ارتباط رژیم صهیونیستی با کشورهای اسلامی پیگیری می‌کند. موضوع افزایش تجارت با رژیم توسط کشورهای اسلامی و همچنین اتصال راهبردی آن‌ها را تحت پروژه I2U2^۱ پیگیری می‌کند که کریدور IMEC^۲ تنها بخشی از آن است.

۱. مشارکتی بین هند، رژیم صهیونیستی، امارات متحده عربی و ایالات متحده است که بر حوزه اقتصاد تمرکز دارد.





طوفان الاقصی، برهم‌زننده طرح بزرگ غرب

عملیات طوفان الاقصی تأثیرات گسترده‌ای بر روند منطقه و جهان داشت و مسیر تحولات را تغییر داد که در ادامه به آن خواهیم پرداخت.

برهم‌زدن پروژه عادی‌سازی

پروژه عادی‌سازی روابط با کشورهای منطقه و افزایش درهم‌تنیدگی میان آن‌ها و رژیم صهیونیستی تا پیش از طوفان الاقصی مطابق میل آمریکا و رژیم صهیونیستی پیش می‌رفت و موضوع فلسطین عملاً در اذهان مردم کم‌رنگ شده بود. این موضوع تاحدی برای رژیم صهیونیستی مسجل بود که «نتانیا هو»، نخست وزیر رژیم صهیونیستی در سخنرانی خود در مجمع عمومی سازمان ملل در سال ۲۰۲۳، عادی‌سازی قریب‌الوقوع میان عربستان و رژیم صهیونیستی را اعلام کرد. همچنین در این سخنرانی بیان کرد که این چالش را به صورت تاریخی حل کرده است.



اما طوفان الاقصی و وقایع پس از آن ناگهان تمام معادلات را برهم زد و موضوع فلسطین به صدر موضوعات جهان تبدیل شد. این اتفاق نه تنها باعث حساس شدن افکار عمومی جهان و توقف روند عادی سازی با رژیم صهیونیستی شد، بلکه حضور رژیم صهیونیستی را در مناطقی که عادی بوده است را نیز غیر عادی کرد. به طوری که اکنون رژیم صهیونیستی به دنبال پیش بردن پروژه عادی سازی در آمریکای لاتین تحت عنوان «پیمان اسحاق» است. این موضوع به ویژه در مقطع زمانی فعلی، شکست و عقب گرد سهمگینی برای رژیم صهیونیستی و آمریکا است. لذا در شرایط کنونی جهان، رژیم باید با تثبیت موجودیت خود در منطقه، می توانست منطقه را کنترل و آن را در قلمرو غرب حفظ کند؛ اما این اتفاق رخ نداد.

انزوای رژیم صهیونیستی

جنايات رژیم صهیونیستی پس از طوفان الاقصی، چهره واقعی این رژیم را در جهان نمایان و منجر به انزوای این رژیم نزد افکار عمومی دنیا شد. در نتیجه این موضوع تحت فشار افکار عمومی، به حاکمیت های کشورهای مختلف جهان سربایت و منجر به مقابله با رژیم صهیونیستی در سطوح مختلف شد. به عنوان مثال، دولت کلمبیا در نتیجه ی اعتراضات مردمی، صادرات زغال سنگ به سرزمین های اشغالی را تحریم کرد. این موضوع از این حیث حائز اهمیت است که زغال سنگ سومین سوخت مصرفی رژیم و کلمبیا تامین کننده ۷۰٪ آن است.

این اقدامات به حدی گسترش پیدا کرده است که رژیم صهیونیستی دستوری به وزارت امور راهبردی خود داده است که ابعاد این اقدامات را احصا و برنامه ای برای مقابله با آن پیشنهاد کند. همچنین در گزارشی که از سوی کارگروه مقابله با تحریم (تشکیل شده از سوی شورای روسای دانشگاه های اسرائیل) تهیه شده از «بی تفاوتی و سهل انگاری کابینه نتانیاهو در رسیدگی به این پدیده» انتقاد کرده است. در این گزارش آمده است که «تصویر منفی اسرائیل در اروپا چنان ریشه دوانده است که گام های دیپلماتیک به تنهایی برای تغییر تصور به وجود آمده کافی نیست و توقف جنگ منجر به کاهش شدت تحریم نشده و شاید برعکس، تحریم ها افزایش هم یافته است.

طبق این داده ها، ۵۷ درصد از تحریم ها با جلوگیری از مشارکت محققان در تیم های تحقیقاتی بین المللی بر آنها تأثیر می گذارند و در نتیجه آنها را از مشارکت در پروژه های پیشرو و تأمین بودجه تحقیقاتی محروم می کند. ۲۲ درصد از موارد شامل قطع روابط بین دانشگاه های اروپایی و مؤسسات اسرائیلی، ۷ درصد تحریم های اعمال شده توسط انجمن های حرفه ای و ۱۴ درصد شامل توقف همکاری در برنامه های بین المللی مانند تبادل دانشجو و برنامه های پساکتری است.

این تیم تحقیقاتی اسرائیلی طی یک سال و نیم گذشته، موارد تحریم دانشگاهی علیه این رژیم را رصد و تلاش کرده تا با آن مقابله کند، از جمله از طریق ابزارهای قانونی و طرح این ادعا که تحریم های مذکور اصل «آزادی دانشگاهی» را نقض می کند و این اقدامات «تبعیضی علیه همه اسرائیل» است.





این موضوع به قدری تاثیرگذار بوده است که مقامات رژیم صهیونیستی نیز به آن اذعان کرده‌اند. «بنیامین نتانیاهو» در سپتامبر ۲۰۲۵ اذعان کرد:

«ما وارد نوعی انزوا می‌شویم، و باید به سمت اقتصادی برویم که ویژگی‌های خودکفایی دارد». همچنین او در کنفرانسی اظهار داشت که این رژیم باید «روی عملیات تأثیرگذاری رسانه‌ای» در فضای مجازی سرمایه‌گذاری کند تا از تأثیرگذاری منفی ناشی از انزوا بکاهد.



THE TIMES OF ISRAEL

LIVE NOW /

Netanyahu admits Israel is economically isolated, will need to become self-reliant

Alongside Rubio, PM slams 'immense hypocrisy' of those criticizing Qatar attack * US secretary of state says he will discuss issue with Gulf allies * IDF topples Gaza City tower

By **TOI STAFF** and **JOSHUA DAVIDOVICH**

Today, 4:24 am |



Israeli Prime Minister Benjamin Netanyahu, right, and US Secretary of State Marco Rubio give a press statement after their meeting at the Prime Minister Office in Jerusalem, on



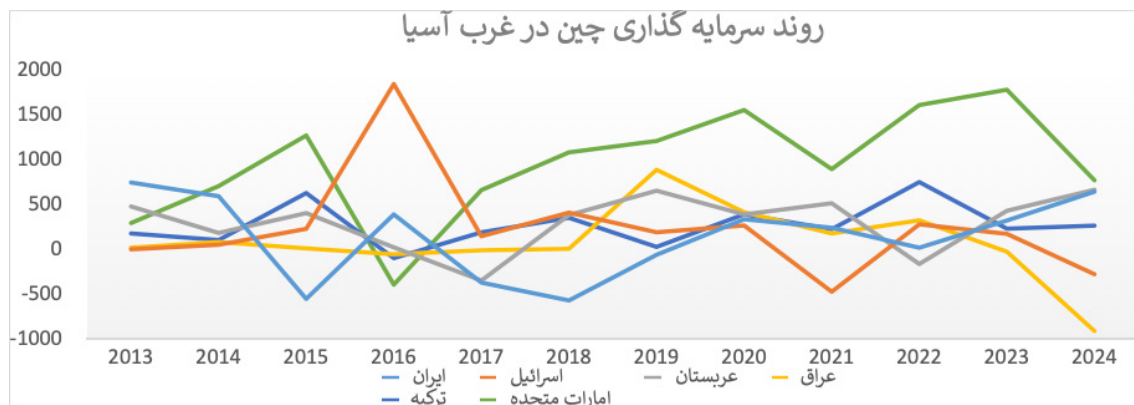


شکست تئوری شکست ناپذیری رژیم صهیونیستی

یکی از انگاره‌های تثبیت شده در اذهان حاکمان و مردم منطقه پس از جنگ دوم اعراب و رژیم صهیونیستی، شکست ناپذیر بودن این رژیم بوده است. این انگاره پس از پیروزی حزب الله مقابل رژیم در جنگ ۳۳ روزه تضعیف و پس از طوفان الاقصی شکست. اکنون این رژیم، موجودیتی نیست که با قدرت خود و آمریکا بتواند منافع خود را تامین کند و این موضوع شکستی راهبردی برای صهیونیست‌ها است.

تغییر نگاه چین به درگیری با رژیم صهیونیستی

منطقه غرب آسیا توسط چین همواره به عنوان یک منطقه دارای اهمیت ژئواستراتژیک مورد توجه قرار گرفته شده است؛ منطقه‌ای که از منظر پکن نه تنها به دلیل منابع انرژی و موقعیت ژئوپلیتیکی، بلکه به مثابه بستری برای آزمون عملی راهبردهای نوین قدرت‌یابی در نظم بین‌الملل اهمیت دارد. اما از دیر باز چین همواره اصل «تعامل متوازن و پرهیز از جانبداری» را در تعامل با بازیگران مختلف منطقه رعایت می‌کرده است. به طوری که با تمام بازیگران (از جمله بازیگرانی که تعارض ذاتی با یکدیگر دارند) همکاری کرده است.



روابط چین با رژیم صهیونیستی نیز همواره برقرار بوده است و حتی در پروژه‌های دارای اهمیت راهبردی برای چین نیز با یکدیگر همکاری کرده‌اند؛ مانند بندر حیفا. اما پس از طوفان الاقصی مواضع چین هم‌راستا با محور مقاومت بوده است. برای مثال چین، رژیم صهیونیستی را مقصر شکل‌گیری طوفان الاقصی و ناامنی منطقه دانست. همچنین علیرغم امکان آسیب به تجارت چین در نتیجه اقدامات یمن در باب‌المندب، در مقابل این اقدامات قرار نگرفت و مجدد رژیم صهیونیستی را مقصر دانست.

در جنگ با ایران نیز موضع چین کاملاً همراهی با ایران بوده است. لذا به نظر می‌رسد اکنون چین با این نگاه که رژیم صهیونیستی نماینده نظم غربی است، این رژیم را مقابل اهداف راهبردی خود می‌داند. همچنین ایران و محور مقاومت را نیز بازیگرانی دارای اراده و توان تغییر نظم می‌داند. لذا مرزبندی خود در منطقه را شفاف کرده است.



فصل دوم

بررسی علل و ابعاد طوفان الاقصی
و وقایع پس از آن





علل انجام عملیات طوفان الاقصی

یک سال پس از عملیات طوفان الاقصی، جنبش حماس طی بیانیه‌ای که به زبان‌های عربی و انگلیسی منتشر شد، علل انجام و ابعاد آن را برای عموم جهانیان توضیح داد. یکی از علت‌هایی که در این بیانیه آمده است، بی‌توجهی جهانیان به اقدامات رژیم صهیونیستی علیه مردم فلسطین بوده است. در این متن آمده است:

«تخلفات و وحشیگری‌های اسرائیل توسط بسیاری از سازمان‌های سازمان ملل و گروه‌های بین‌المللی حقوق بشر از جمله عفو بین‌الملل و دیده‌بان حقوق بشر و حتی توسط گروه‌های حقوق بشر اسرائیلی مستند شده است. با این حال، این گزارش‌ها و شهادت‌ها نادیده گرفته شدند و اشغالگران اسرائیلی هنوز پاسخگو نیستند. به عنوان مثال، در ۲۹ اکتبر ۲۰۲۱، گیلاد اردان، سفیر اسرائیل در سازمان ملل، با پاره کردن گزارش شورای حقوق بشر سازمان ملل در جریان سخنرانی در مجمع عمومی و انداختن آن در سطل زباله قبل از ترک تریبون، به نظام سازمان ملل توهین کرد. با این حال، او در سال بعد - ۲۰۲۲ - به سمت معاون رئیس مجمع عمومی سازمان ملل منصوب شد.»

همچنین در این بیانیه به فراموشی مسئله فلسطین در میان مردم و حکام دنیا اشاره می‌کند. «مقامات اسرائیلی در چندین مورد مخالفت قطعی خود را با تأسیس یک کشور فلسطینی اعلام کردند. تنها یک ماه قبل از عملیات طوفان الاقصی، بنیامین نتانیاهو، نخست وزیر اسرائیل، نقشه‌ای از به اصطلاح «خاورمیانه جدید» ارائه داد که «اسرائیل» را از رود اردن تا دریای مدیترانه، شامل کرانه باختری و غزه، ترسیم می‌کرد. تمام جهان در آن زمان - تریبون مجمع عمومی سازمان ملل - در برابر سخنرانی او که سرشار از تکبر و جهل نسبت به حقوق مردم فلسطین بود، سکوت کردند.»

علت دوم انجام عملیات طوفان الاقصی نیز وضعیت بد مردم غزه که رو به وخامت می‌رفت بیان شده است. حماس از این وضعیت تحت عنوان «مرگ تدریجی» یاد کرده و ضمن اشاره به ۱۷ سال محاصره غزه، بیان می‌کند: «در طول این دهه‌های طولانی، مردم فلسطین از انواع ظلم، بی‌عدالتی، سلب حقوق اساسی و سیاست‌های آپارتاید رنج برده‌اند. به عنوان مثال، نوار غزه از سال ۲۰۰۷ از محاصره خفه‌کننده‌ای که آن را به بزرگترین زندان روباز جهان تبدیل کرد، رنج می‌برد. مردم فلسطین در غزه همچنین از پنج جنگ و تجاوز ویرانگر رنج بردند که در همه آن‌ها اسرائیل طرف متخلف بود. مردم غزه در سال ۲۰۱۸ نیز تظاهرات بزرگ بازگشت را برای اعتراض مسالمت‌آمیز به محاصره اسرائیل، شرایط فلاکت‌بار انسانی خود و مطالبه حق بازگشت خود آغاز کردند. با این حال، نیروهای اشغالگر اسرائیلی با خشونت وحشیانه‌ای به این اعتراضات پاسخ دادند که در عرض چند ماه ۳۶۰ فلسطینی کشته و ۱۹۰۰۰ نفر دیگر از جمله بیش از ۵۰۰۰ کودک زخمی شدند»

طبق مطالب فوق، انجام چنین عملیاتی برای مردم فلسطین ضروری بود به طوری که اگر این عملیات صورت نمی‌گرفت، با توجه به روند عادی‌سازی کشورهای اسلامی با رژیم صهیونیستی، بی‌توجهی افکار عمومی دنیا به موضوع فلسطین و وضعیت اسفناک مردم فلسطین، دیگر فلسطینی باقی نمی‌ماند. این عملیات باعث شد موضوع فلسطین مجدد زنده شده و به موضوع اول جهان تبدیل شود.





اهداف رژیم صهیونیستی پس از عملیات طوفان الاقصی

پس از انجام این عملیات، رژیم صهیونیستی دست به کشتار وسیعی علیه مردم فلسطین، به ویژه ساکنان نوار غزه زد. این رژیم در همان ابتدا اهدافی را نیز برای خود ترسیم کرد.

نابودی حماس

اولین هدف اعلامی رژیم صهیونیستی که بالاترین اولویت را نیز برای این رژیم داشت، نابودی جنبش حماس بود. در عمل، اسرائیل می‌خواست زیرساخت‌های نظامی حماس (تونل‌ها، مراکز فرماندهی، انبارها) را نابود و سازوکار حکومتی و نظامی آن را از کار ببرد.^۳

سفیر رژیم صهیونیستی در آلمان، در روزهای آغازین جنگ بیان کرد:

«هدف دیگر نمی‌تواند مهار باشد، زیرا تلاش برای مهار جهادگرایان اسلامی «کارساز نیست و هرگز نخواهد بود. بنابراین اسرائیل تصمیم گرفته است که «از مهار به ریشه‌کنی» حرکت کند. این به معنای حذف دولت اسلامی حماس و تمام زیرساخت‌های نظامی آن از مرزهای ما است.»^۴

وزیر دفاع رژیم صهیونیستی نیز ۴ روز پس از عملیات طوفان الاقصی سوگند یاد کرد که حماس را «از روی زمین محو کند».^۵

JERUSALEM, Oct 11 (Reuters) - Israeli Prime Minister Benjamin Netanyahu forged an emergency government on Wednesday to direct war against Hamas, and his defence minister vowed to wipe the Palestinian militant group "off the face of the earth" over its deadly weekend attack.

۳. پژوهش موسسه الشرق، سناریوهای عملیات طوفان الاقصی و جنگ علیه غزه، ۲۲ نوامبر ۲۰۲۳

<https://research.sharqforum.org/2023/11/22/scenarios-of-the-al-aqsa-flood-operation-and-the-war-on-gaza/>

۴. تارنمای پولیتیکو، سفیر اسرائیل: «حیوانات» حماس باید نابود شوند، ۱۲ اکتبر ۲۰۲۳

<https://www.politico.eu/article/ron-prosor-israel-evoy-hamas-animals-must-be-destroyed/>

۵. تارنمای خبرگزاری رویترز، کابینه جنگ جدید اسرائیل: حماس را از روی زمین محو خواهیم کرد، ۱۱ اکتبر ۲۰۲۳

<https://www.reuters.com/world/middle-east/netanyahu-gantz-agree-form-emergency-israel-government-statement-2023-10-11/>





رژیم صهیونیستی تا انتها نیز از این هدف خود عقب‌نشینی نکرد. «بنیامین نتانیا هو»، نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی در تاریخ ۵ آگوست ۲۰۲۵ در توییتی بیان کرد:

«ما قصد داریم غزه را از دست حماس آزاد کنیم. غزه غیرنظامی خواهد شد و یک دولت غیرنظامی صلح‌آمیز تأسیس خواهد شد، دولتی که نه تشکیلات خودگردان فلسطین باشد، نه حماس و نه هیچ سازمان تروریستی دیگری. این به آزادی‌گروگان‌های ما کمک می‌کند و تضمین می‌کند که غزه در آینده تهدیدی برای اسرائیل نباشد.»



Benjamin Netanyahu - בנימין נתניהו
@netanyahu

We are not going to occupy Gaza - we are going to free Gaza from Hamas.

Gaza will be demilitarized, and a peaceful civilian administration will be established, one that is not the Palestinian Authority, not Hamas, and not any other terrorist organization.

This will help free our hostages and ensure Gaza does not pose a threat to Israel in the future.

7:31 PM · Aug 8, 2025 · 13.8M Views

20K

22K

141K

4.5K



Read 20.7K replies

کوچ اجباری ساکنان نوار غزه

هدف دوم رژیم صهیونیستی جابه‌جایی اجباری جمعی از ساکنان غزه یا تغییر ترکیب جمعیتی آن بیان شده است. همچنین طبق گزارش الجزیره، گزارش سازمان ملل و رسانه‌ها اشاره دارند به این‌که سیاست‌های رژیم در غزه با هدف «تغییر نظام دائمی کنترل بر غزه و تغییر ترکیب جمعیتی» طراحی شده است.^۶

«گزارش سیاست‌گذاری: گزینه‌هایی برای یک سیاست در مورد جمعیت غیرنظامی غزه»، (مورخ ۱۳ اکتبر ۲۰۲۳) یک سند سیاست‌گذاری ده صفحه‌ای است که توسط وزارت اطلاعات رژیم صهیونیستی تهیه شده و پیشنهاد انتقال اجباری ۲.۳ میلیون نفر از ساکنان نوار غزه به شبه‌جزیره سینای مصر را می‌دهد. این سند که در اواخر اکتبر ۲۰۲۳ به رسانه‌ها درز کرد، دو گزینه دیگر را برای محافظت از منافع امنیتی اسرائیل ناکافی دانست و رد کرد: اجازه دادن به تشکیلات خودگردان فلسطین برای حکومت بر غزه و اجازه دادن به تشکیل یک دولت محلی جدید برای توسعه در آنجا.^۷

۶. گزارش الجزیره، سازمان ملل: اسرائیل به دنبال کنترل دائمی غزه و اکثریت یهودی در کرانه باختری است، ۲۳ سپتامبر ۲۰۲۵

<https://www.aljazeera.com/news/2025/9/23/israel-seeks-permanent-gaza-control-jewish-majority-in-west-bank-un>

۷. تارنمای اندیشکده کارنگی، جنوب به سوی سینا: آیا اسرائیل فلسطینی‌ها را از غزه بیرون خواهد راند؟، ۳۱ اکتبر ۲۰۲۳

<https://carnegieendowment.org/sada/2023/10/south-into-the-sinai-will-israel-force-palestinians-out-of-gaza?lang=en>





נייר מדיניות חלופות לדירקטיבה מדינית לאוכלוסייה האזרחית בעזה

תקציר מנהלים

משרד המודיעין אגף מדיניות
ד מדינת ישראל נדרשת לחולל שינוי רב משמעות במציאות האזרחית ברצועת עזה לאור פשעי החמאס שהובילו למלחמת חרבות ברזל לשם כך עליה להחליט מהו היעד המדיני ביחס לאוכלוסייה האזרחית בעזה שאליו יש לחתור במקביל להפלת שלטון החמאס

היעד שיוגדר על ידי הממשלה מחייב פעולה אינטנסיבית כדי לרתום את ארה ב ומדינות נוספות

לתמיכה ביעד זה

הנחות יסוד לעבודה בכל דירקטיבה

א מיטוט שלטון חמאס

ב פינוי האוכלוסייה מחוץ לאזור הלחימה הינו לטובתם של אזרחי הרצועה

ג נדרש לתכנן ולתעל סיוע בינלאומי שיגיע למרחב בהתאם לדירקטיבה הנבחרת

ד בכל דירקטיבה נדרש לבצע תהליך עומק של הטמעת שינוי אידיאולוגי דה גאציפיקציה

ה דירקטיבה נבחרת תתמוך את היעד המדיני לגבי עתיד הרצועה ותמונת סיום של המלחמה לעתיד במסמך זה יוצגו שלוש חלופות אפשריות כדירקטיבה של הדרג המדיני בישראל ביחס

האוכלוסייה האזרחית ברצועת עזה כל דירקטיבה נבחרת לאור המאפיינים הבאים

אופרטיביות היכולת לממש מבצעים

לגיטימציה בין ל פנימית משפטית

היכולת לבצע שינוי אידיאולוגי תפיסתי בקרב האוכלוסייה ביחס ליהודים ולישראל

השלכות אסטרטגיות רחבות

כ ח תשרי תשפ

לאוקטובר



در مارس و ژوئیه ۲۰۲۵ نیز مقامات اسرائیلی و آمریکایی، از جمله دونالد ترامپ، پیشنهادی بسیار بحث‌برانگیز را مطرح کردند که مشوق‌هایی برای مهاجرت فلسطینی‌ها از غزه ارائه می‌دهد. این طرح به طور گسترده توسط فلسطینی‌ها، کشورهای عربی و گروه‌های بین‌المللی حقوق بشر محکوم شده است که آن را تلاشی آشکار برای آوارگی اجباری و پاکسازی قومی می‌دانند.

الحاق کرانه باختری

موضوع الحاق بخش‌هایی از کرانه باختری یکی از خواسته‌های دیرپای برخی جریان‌های اسرائیلی است و گزارش‌ها می‌گویند که سیاست‌های فعلی رژیم صهیونیستی به سمت تسریع الحاق یا دست‌کم کنترل دائم بر بخش عمده‌ای از کرانه باختری پیش می‌رود.

طبق اعلام کمیسیون تحقیق سازمان ملل، اکنون اخراج فلسطینی‌ها و الحاق کرانه باختری در حال انجام است. سیاست‌های رژیم صهیونیستی از اکتبر ۲۰۲۳ در کرانه باختری با هدف «تغییر ترکیب جمعیتی، الحاق کامل کرانه باختری و جلوگیری از دولت فلسطینی» طراحی شده‌اند.^۸

۸. خبرگزاری وافا، کمیسیون تحقیق سازمان ملل می‌گوید اسرائیل به دنبال کنترل دائمی غزه، اکثریت یهودی در سرزمین‌های اشغالی فلسطین و اسرائیل است. ۲۳ سپتامبر ۲۰۲۵
<https://english.wafa.ps/Pages/Details/161661>



آزادسازی اسرا

حماس طی عملیات طوفان الاقصی، تعداد بالایی از ساکنان سرزمین‌های اشغالی را اسیر کرد. رژیم صهیونیستی از همان ابتدا بیان کرد که با استفاده از قوای نظامی، حماس را مغلوب و اسرا را آزاد خواهد کرد.

ورود حزب‌الله لبنان به درگیری با رژیم صهیونیستی

بعد از حمله حماس در ۷ اکتبر ۲۰۲۳، حزب‌الله لبنان از ۸ اکتبر وارد درگیری شد و حملات راکتی به سمت سرزمین‌های اشغالی را آغاز کرد تا در حمایت از حماس و مردم غزه عمل کند و رژیم صهیونیستی را از ادامه جنگ در غزه بازدارد. این حملات ابتدا به مناطق مرزی مثل مزارع شبعا محدود بود، اما به تدریج به تبادل آتش روزانه تبدیل شد که بیش از ۴۴۰۰ حمله از هر دو طرف را تا اوایل ۲۰۲۴ شامل می‌شود.

حزب‌الله اعلام کرد که حملات تا زمان برقراری آتش‌بس در غزه ادامه پیدا می‌کند و این بخشی از استراتژی بازدارندگی در برابر تهاجم رژیم صهیونیستی به غزه بوده است. این ورود باعث جابه‌جایی بیش از ۶۰ هزار اسرائیلی از شمال سرزمین‌های اشغالی شد.^۹

اما رژیم صهیونیستی نیز در نبرد با حزب‌الله اهدافی را برای خود ترسیم کرد که از جمله آن‌ها می‌توان به نابودی توان عملیاتی حزب‌الله، تصرف بخشی از جنوب لبنان و ایجاد منطقه حائل و همچنین بازگشت ساکنان شمال سرزمین‌های اشغالی اشاره کرد.

از میان این اهداف، رژیم صهیونیستی علیرغم این که نتوانست اهداف خود را در جنگ زمینی پیاده کند، اما توانست ۵ نقطه از لبنان را همچنان تحت اشغال نگاه دارد.

۹. گزارش الجزیره، تاریخچه درگیری حزب الله و اسرائیل، ۱۸ سپتامبر ۲۰۲۴





براساس جدیدترین نقشه از تحولات جنوب لبنان که از سوی المنار منتشر شده، ارتش رژیم صهیونیستی از همه مناطق جنوب لبنان به جز مزارع شبعا و پنج نقطه در شهرک‌های جنوبی عقب نشینی کرده است. در این نقشه مناطق زرد رنگ روستاهای آزاد شده از اشغال ارتش رژیم صهیونیستی در جنوب لبنان و نقاط قرمز مناطقی است که ارتش رژیم صهیونیستی همچنان از آنها عقب نشینی نکرده است. همچنین نقاط سبز رنگ اراضی فلسطین اشغالی است و منطقه خاکستری رنگ نیز جولان اشغالی سوریه است.

اسرائیل کاتز، وزیر دفاع رژیم صهیونیستی در اظهاراتی بیان کرد:

«برخلاف گذشته، ارتش اسرائیل مناطقی را که پاکسازی و تصرف شده‌اند تخلیه نمی‌کند. ارتش اسرائیل در مناطق امنیتی به عنوان حائل بین دشمن و جوامع در هر موقعیت موقت یا دائمی در غزه - مانند لبنان و سوریه - باقی خواهد ماند.»^{۱۰}

۱۰. گزارش NBC NEWS، اسرائیل به عنوان بخشی از دکتترین نظامی پس از ۷ اکتبر، مناطق حائل در امتداد مرزهای خود ایجاد می‌کند، ۲۹ اکتبر ۲۰۲۵
<https://www.nbcnews.com/specials/israel-buffer-zones-borders-gaza-post-oct-7-military-doctrine/>



ISRAEL ATTACKS LEBANON

Israel to remain in 5 'strategic points'

Despite a February 18 withdrawal deadline, the Israeli army has announced it will keep soldiers stationed in five high-altitude locations in southern Lebanon.



اما نابودی توان عملیاتی حزب‌الله هیچگاه عملیاتی نشد. طبق اذعان «مرکز مطالعات استراتژیک و بین‌المللی» (CSIS)، رژیم صهیونیستی هدف اصلی خود را نابودی قابلیت‌های نظامی حزب‌الله، شامل انبارهای تسلیحاتی، رهبران کلیدی مثل سیدحسن نصرالله، و واحدهای نخبه مثل نیروی رضوان اعلام کرده است که این کار از طریق حملات هوایی گسترده، ترورها و عملیات زمینی در جنوب لبنان انجام شده است.^{۱۱}

ادراک رژیم صهیونیستی بر این امر استوار بود که توان حزب‌الله وابسته به گروهی از افراد است و می‌توان با ترور افراد کلیدی حزب‌الله، آن را نابود کرد. لذا ابتدا با ترور فرماندهان بخش‌های مختلف نظامی حزب‌الله، ازجمله فرمانده یگان موشکی و فرمانده یگان پهپادی به دنبال تضعیف و با ترور فرماندهان ارشد، به دنبال نابودی این توان بود. این روند در نهایت به ترور شهید سید حسن نصرالله در تاریخ ۲۷ سپتامبر ۲۰۲۴ (۶ مهر ۱۴۰۳) شد. اما این تحلیل اشتباه بود و پس از این ترور نیز حزب‌الله توان عملیاتی خود را حفظ کرد و اکنون نیز به اذعان دبیرکل حزب‌الله، به دنبال ارتقا آن است.

۱۱. گزارش CSIS، تشدید جنگ بین اسرائیل، حزب‌الله و ایران، ۴ اکتبر ۲۰۲۵



درگیری میان یمن و رژیم صهیونیستی

پس از عملیات طوفان الاقصی، یمن در حمایت از ملت فلسطین و به منظور کاهش فشار به نیروهای مقاومت فلسطین و تضعیف توان رژیم صهیونیستی، وارد نبرد با این رژیم شد و سرزمین‌های اشغالی را هدف قرار داد. عبدالملک الحوثی، رهبر جنبش انصارالله یمن در توضیح این اقدامات بیان کرد:

«ما نمی‌توانیم در برابر اتفاقاتی که برای ملت فلسطین و ملت ما می‌افتد، نظاره‌گر باشیم، بلکه ملت یمن به حمایت خود از ملت فلسطین ادامه خواهد داد و ما در عمل به تعهدات مان کوتاهی نمی‌کنیم.»^{۱۳}

طبق اعلام تایمز اسرائیل، از اواخر ۲۰۲۳ تا اکتبر ۲۰۲۵، حوثی‌های یمن بیش از ۱۳۰ موشک بالستیک و ده‌ها پهپاد و موشک کروز به سمت اسرائیل پرتاب کرده‌اند که این حملات در حمایت از فلسطینی‌ها و در پاسخ به جنگ غزه آغاز شده و حتی پس از آتش‌بس غزه ادامه یافته است.^{۱۳}

جلوگیری از تردد کشتی‌های صهیونیستی

مهم‌ترین اقدام یمن که تاثیر آن بر اقتصاد رژیم صهیونیستی نیز چشمگیر بود، جلوگیری از تردد کشتی‌های صهیونیستی و کشتی‌هایی بود که از مبدا یا به مقصد سرزمین‌های اشغالی حرکت می‌کردند.

حملات یمن به کشتی‌ها در دریای سرخ، به صورت بر تجارت دریایی رژیم صهیونیستی تاثیر گذاشت. رژیم صهیونیستی از دو مسیر به دریای سرخ وابسته است؛ مسیر اول از بندر ایلات به تنگه تیران و سپس تنگه باب‌المنذب؛ و مسیر دوم از سواحل مدیترانه در غرب سرزمین‌های اشغالی به سمت کانال سوئز، خلیج سوئز و سپس تنگه باب‌المنذب. به عبارت دیگر در نتیجه این اقدام، تمام بندرهای رژیم صهیونیستی تحت تاثیر قرار گرفته‌اند. در نتیجه این اقدامات، ۲۵ درصد از صادرات و ۲۹ درصد از واردات رژیم صهیونیستی تحت تاثیر قرار گرفت.

مقابله رژیم صهیونیستی با یمن

رژیم صهیونیستی از دسامبر ۲۰۲۳ تا اکتبر ۲۰۲۵ بیش از ۱۹ حمله هوایی به اهداف حوثی در یمن انجام داده که شامل بمباران بندر حدیده و فرودگاه صنعا، که این عملیات منجر به ترور رهبران نظامی حوثی مانند رئیس ستاد کل ارتش یمن شده است.^{۱۴}

۱۲. گزارش خبری مرکز اطلاع‌رسانی فلسطین، رهبر جنبش انصارالله: کشتی‌های باری آمریکا را در دریای سرخ هدف قرار می‌دهیم، ۱۶ مارس ۲۰۲۵

<https://farsi.palinfo.com/2025/03/16/577000/>

۱۳. گزارش تایمز اسرائیل، گروه حوثی می‌گوید فرمانده نظامی‌اش درگذشته و اسرائیل مسئولیت آن را بر عهده گرفته است، ۱۶ اکتبر ۲۰۲۵

<https://www.timesofisrael.com/houthi-military-chief-dies-group-says-and-israel-claims-responsibility/>

۱۴. گزارش تایمز اسرائیل، گروه حوثی می‌گوید فرمانده نظامی‌اش درگذشته و اسرائیل مسئولیت آن را بر عهده گرفته است، ۱۶ اکتبر ۲۰۲۵

<https://www.timesofisrael.com/houthi-military-chief-dies-group-says-and-israel-claims-responsibility/>



رژیم صهیونیستی با انجام عملیات هوایی تلاش کرد تا انبارهای تسلیحاتی، سایت‌های پرتاب موشک و رهبران کلیدی یمن را نابود کند که هدف آن کاهش قابلیت‌های هجومی حوثی‌ها بوده است.^{۱۵} اما رژیم صهیونیستی در این امر موفق نبود و اقداماتش منجر به ایجاد بازدارندگی نشد؛ در نتیجه آمریکا و انگلیس برای افزایش فشار بر یمن وارد میدان شدند.

ورود آمریکا و انگلیس برای جبران ناتوانی رژیم در مقابله با یمن

از ژانویه ۲۰۲۴ تا می ۲۰۲۵، آمریکا و انگلیس بیش از ۹۳۱ حمله هوایی مشترک علیه حوثی‌ها انجام دادند، که این دخالت برای حفاظت از مسیرهای تجاری دریای سرخ و حمایت از رژیم صهیونیستی در برابر حملات حوثی‌ها بوده است.^{۱۶}

علیرغم افزایش جنایات رژیم صهیونیستی و به اوج رسیدن حملات آمریکا به یمن، نقش آفرینی ملت یمن در حمایت از مردم مظلوم فلسطین وارد سطح جدیدی شد که نمود آن را می‌توان تحریم هوایی سرزمین‌های اشغالی و اصابه موشک‌های بالستیک یمنی به فرودگاه «اللد» دانست.^{۱۷}

همچنین دولت یمن به منظور افزایش سطح مواجهه و پاسخ به جنایت‌های آمریکا در حمله به بندر نفتی «راس عیسی» در استان «الحدیده» و کشتار غیرنظامیان، تصمیم گرفت که «هرگونه فعالیت و تردد کشتی مرتبط به تجارت نفت آمریکا»، را ممنوع کند.^{۱۸}

اما ایالات متحده و انگلیس پس از ناکامی در تامین اهداف خود در مواجهه با یمن، توقف حملات خود به یمن را در تاریخ ۱۶ اردیبهشت ۱۴۰۴ اعلام کردند. در نتیجه این اقدام، اجرای تصمیم یمن مبنی بر هدف قرار دادن کشتی‌های آمریکا و انگلیس نیز معلق شده است.

اما خروج آمریکا و انگلیس از نبرد با یمن، صهیونیست‌ها را به شدت نگران و عصبانی کرد؛ زیرا در توافق صورت گرفته، یمنی‌ها حق ادامه حملات به سرزمین‌های اشغالی و کشتی‌های مرتبط با رژیم صهیونیستی را حفظ کردند، که این شرط اجازه داد حملات موشکی به سرزمین‌های اشغالی حتی پس از آتش‌بس ادامه یابد، و آمریکا و انگلیس نتوانستند این بخش را محدود کنند.^{۱۹}

۱۵. گزارش سوفان سنتر، حوثی‌ها حملات به کشتی‌ها در دریای سرخ را از سر گرفتند، ۸ جولای ۲۰۲۵

<https://thesoufancenter.org/intelbrief-2025-july-8/>

۱۶. گزارش گاردین، بریتانیا با انجام حملات هوایی در یمن، به کمپین آمریکا علیه شورشیان حوثی پیوست، ۳۰ آوریل ۲۰۲۵

<https://www.theguardian.com/world/2025/apr/30/uk-yemen-airstrikes-houthi-rebels>

۱۷. توسط رژیم اشغالگر به فرودگاه بن گوریون تغییر نام یافته است.

۱۸. saba.ye/ar/news3474873.htm

۱۹. گزارش آتلانتیک کانسیل، پس از آتش‌بس غزه، گام بعدی برای حوثی‌ها چیست؟، ۱۶ اکتبر ۲۰۲۵

<https://www.atlanticcouncil.org/blogs/menasource/after-the-gaza-cease-fire-whats-next-for-the-houthis/>





جنگ با ایران، حاصل ادراک غلط رژیم صهیونیستی و آمریکا

رژیم صهیونیستی صبحگاه روز ۲۳ خرداد ۱۴۰۴ حملاتی علیه ایران را آغاز کرد که نام آن را «عملیات شیر به پا خواسته» گذاشت. طبق گفته مقامات آمریکایی، این عملیات با اطلاع و حمایت کامل آن‌ها صورت گرفته است. دونالد ترامپ، رئیس جمهور آمریکا در اولین واکنش خود پس از حمله رژیم صهیونیستی به ایران، بیان کرد:

«ما از این حمله غافلگیر نشدیم، اما ایالات متحده در آن نقشی نداشت»

کانال ۱۴ رژیم صهیونیستی نیز به درباره هماهنگی این رژیم با آمریکا اظهار داشت:

«برای کسانی که به اشتباه فکر می‌کنند ایالات متحده با اسرائیل هماهنگ نکرده است: ترامپ در ۱۲ آوریل به ایران ۶۰ روز فرصت داد تا به توافق برسد. امروز روز ۱۶م است.»

اما این حملات، بر اساس ادراکی غلط از ایران انجام شد و لذا اهداف ترسیم شده نیز با واقعیت میدانی فاصله زیادی داشت. رژیم صهیونیستی با توجه به چند مولفه تصمیم به حمله به ایران گرفت:

- سرمایه اجتماعی نظام کم است و مردم خواهان تغییر نظام هستند
- ضعف پدافندی ایران (پس از پاسخ به وعده صادق ۲ به این نتیجه رسید)
- ضعف در توان موشکی ایران (به دلیل میزان موفقیت اثبات در وعده صادق ۱ و ۲)
- اقتصاد آسیب‌پذیر ایران و عدم توانایی کنترل در شرایط جنگ
- ضعف نظامی و عمق راهبردی ایران به دلیل دادن سوریه

در نتیجه ادراک حاصل شده از این مولفه‌ها، رژیم صهیونیستی سه هدف برای خود از حمله به ایران اعلام کرد:

- تغییر رژیم در ایران
- از بین بردن توان هسته‌ای
- از بین بردن توان موشکی

طبق گزارش «موسسه بروکینگز»، یکی از اهداف رژیم صهیونیستی، تغییر رژیم با ایجاد ناآرامی و حمایت از مخالفان داخلی رژیم ایران پس از حمله بوده است. این موسسه در گزارشی بیان می‌کند:

«در حمله ژوئن ۲۰۲۵، اسرائیل تغییر رژیم ایران را هدف ضمنی قرار داد، با تضعیف رهبری سپاه و تحریک نارضایتی داخلی برای قیام، مشابه سوریه بود. نتایج و مقامات، حملات را فرصتی برای حمایت از مخالفان و سرنگونی رژیم می‌دیدند تا تهدید هسته‌ای را ریشه‌کن کنند. این استراتژی بر اساس ضعف پروکسی‌های ایران بود.»^{۲۰}

^{۲۰} گزارش اندیشکده بروکینگز، اسرائیل به ایران حمله می‌کند. بعدش چه می‌شود؟ ۱۶ ژوئن ۲۰۲۵





نمی‌توان انکار کرد که حمله رژیم صهیونیستی، از حیث تاکتیکی و اطلاعاتی، ضرباتی مؤثر به کشور وارد کرده است. اما در بعد راهبردی به هیچکدام از اهداف خود دست پیدا نکرد و در نهایت مجبور به درخواست توقف جنگ شد.

حمله به ایران از زاویه ایالات متحده

حمله به ایران را از زاویه آمریکا نیز می‌توان تحلیل کرد. مذاکرات هسته‌ای غیرمستقیم ایران و آمریکا در فروردین ۱۴۰۴ آغاز و پنج دور آن برگزار شد. در طی مذاکرات، مقامات آمریکایی هدف خود را توقف غنی‌سازی در ایران اعلام و ایران را به آغاز جنگ علیه ایران در صورت شکست مذاکرات تهدید کردند. دونالد ترامپ، رئیس جمهور آمریکا طی اظهاراتی بیان داشت:

«اگر آنها توافق نکنند، سلاح هسته‌ای نخواهند داشت. بهتر است این کار را بدون جنگ، بدون مرگ مردم انجام دهند.»

هرچند اقدام نظامی علیه ایران را به رژیم صهیونیستی نسبت دادند اما محور این اظهارات، رئیس جمهور آمریکا بود. وی چند روز پیش از در اظهاراتی حمله به ایران توسط رژیم صهیونیستی را محتمل دانست و بیان کرد:

«من نمی‌گویم حمله اسرائیل به ایران قریب‌الوقوع است، اما قوی و محتمل است. می‌خواهم از درگیری با ایران جلوگیری کنم»

حمله رژیم صهیونیستی به ایران با هماهنگی آمریکا و یا به بیان دقیق‌تر، به دستور آمریکا، درحالی رخ داد که دور جدید مذاکرات غیرمستقیم ایران و آمریکا برای روز یکشنبه ۲۵ خرداد ۱۴۰۴ برنامه‌ریزی شده بود. مقامات آمریکایی از همان ابتدا، عمل به خواست آمریکا در مذاکره را راه برون رفت از شرایط فعلی بیان کردند و از باز بودن پنجره مذاکراتی سخن به میان آوردند. رئیس جمهور آمریکا در پیامی بیان کرد:

«من به ایران ۶۰ روز فرصت دادم تا به توافق برسد. امروز روز شصت و یکم است. آنها اکنون ممکن است شانس دومی داشته باشند.»



این موضوع حکایت از آن دارد که آمریکایی‌ها پس از ناامیدی از تسلیم شدن ایران در مقابل خواسته‌های آن‌ها، با شروع جنگ علیه ایران به دنبال افزایش فشار بر جمهوری اسلامی و درنهایت تسلیم در میز مذاکره بودند. «الکس وطنخواه»، کارشناس موسسه خاورمیانه در مطلبی که در تارنمای این اندیشکده منتشر شد، به این موضوع اشاره و بیان کرد:

«اظهارات اخیر دونالد ترامپ که چشم انداز یک راه حل دیپلماتیک در مذاکرات هسته‌ای ایالات متحده و ایران را زیر سوال می‌برد، نشان می‌دهد که هم او و هم اسرائیل به این نتیجه رسیده‌اند که ایران برای وادار کردن به امتیازات معنادار به یک شوک بزرگ نیاز دارد - یا برای متوقف کردن غنی‌سازی اورانیوم یا ارائه پیشنهادی متقابل قابل قبول با شرایط ایالات متحده و اسرائیل. اکنون به نظر می‌رسد که این شوک وارد شده است.»

در ادامه نیز مذاکره را راه حل آمریکا برای نقد کردن فشار مذاکرات دانسته و بیان می‌کند:

«ترامپ همچنان دیپلماسی را به عنوان مسیر ترجیحی خود مطرح می‌کند، در حالی که اسرائیل به عنوان مجری آن عمل می‌کند و در حالی که ترامپ راهی برای خروج از آن به ایران پیشنهاد می‌دهد، ضربات وارد می‌کند.»^{۳۱}

در نتیجه ایالات متحده آمریکا به دنبال آن بوده است که از فشار جنگ برای تسلیم ایران در مذاکرات استفاده کند و جنگ را مکمل مذاکرات می‌دانست که در تحقق این امر موفق نبود و به اهداف خود دست پیدا نکرد.

توافق آتش بس میان حماس و رژیم صهیونیستی

سرانجام پس از درگیری دوساله، رژیم صهیونیستی پس از ناکامی در دستیابی به اهداف خود که در آغاز نبرد علیه فلسطینیان اعلام کرده بود، مجبور به پذیرش آتش بس شد. اما سیر رسیدن به توافق نیز قابل تامل است.

طرح پیشنهادی ترامپ برای آتش بس

«دونالد ترامپ» در ۲۹ سپتامبر ۲۰۲۵، طرحی را برای آتش بس در غزه پیشنهاد داد که چند محور اصلی داشت. مهم‌ترین مورد این متن پیشنهادی، لزوم خلع سلاح حماس و بازگشت اسرا بود. در بند ششم آن آمده است: «پس از بازگشت همه گروگان‌ها، اعضای حماس که به همزیستی مسالمت‌آمیز و زمین‌گذاشتن سلاح‌های خود متعهد شوند، عفو خواهند شد. به اعضای حماس که مایل به ترک غزه هستند، مسیر امنی برای رفتن به کشورهای پذیرنده فراهم خواهد شد.»

۳۱. تارنمای موسسه خاورمیانه، الکس وطنخواه، دلایل حمله موشکی اسرائیل به ایران

<https://www.mei.edu/publications/special-briefing-israel-strikes-irans-nuclear-program#pt1>





همچنین طبق بند نهم طرح ترامپ، غزه تحت حاکمیت موقت یک کمیته فنی-سیاسی فلسطینی قرار داد که توسط هیئت صلح بین‌المللی (با ریاست ترامپ و اعضای که تونی بلر نیز یکی از آنان است) اداره می‌شود. یک نیروی بین‌المللی شامل نیروهای عربی و مسلمان نیز مستقر می‌شود تا امنیت را تضمین کند و حماس را از قدرت دور نگه دارد. این ساختار تا اصلاحات تشکیلات خودگردان فلسطین ادامه دارد.^{۲۲}

یکی دیگر از نکات مهم طرح پیشنهادی ترامپ، لزوم عدم دخالت حماس در مدیریت غزه است. در بند ۱۳ این طرح آمده است:

«حماس و دیگر جناح‌ها موافقت می‌کنند که هیچ نقشی در اداره غزه، به طور مستقیم، غیرمستقیم یا به هر شکلی، نداشته باشند. تمام زیرساخت‌های نظامی، تروریستی و تهاجمی، از جمله تونل‌ها و تأسیسات تولید سلاح، نابود شده و بازسازی نخواهند شد.»

یک بند این طرح نیز پیش از انتشار به درخواست رژیم صهیونیستی حذف شد. طبق بند ۲۱ این متن، در صورت نقض آتش‌بس توسط هر کدام از طرف‌ها، کشورهای عربی اجازه داشتند علیه آن اقدام کنند. این بند به دلیل مخالفت نتانیاهو و فشار رژیم صهیونیستی، حذف شد و طرح به ۲۰ بند کاهش یافت. این بند برای تعادل و تضمین تعهد طرفین طراحی شده بود، اما رژیم صهیونیستی آن را تهدیدی برای آزادی عمل خود می‌دید. کشورهای عربی مانند عربستان و مصر از ایده حمایت می‌کردند.^{۲۳}

بیانیه حماس در واکنش به طرح پیشنهادی ترامپ

حماس در تاریخ ۳ اکتبر ۲۰۲۵، در بیانیه‌ای موضع خود را نسبت به طرح پیشنهادی ترامپ اعلام کرد. حماس در این بیانیه، موضوع آتش‌بس و تبادل اسرا را پذیرفت و اعلام کرد که تمام ۴۸ گروگان اسرائیلی (۲۰ زنده و بقیه اجساد) را در ازای ۲۵۰ زندانی فلسطینی محکوم به حبس ابد و ۱۷۰۰ زندانی غزه‌ای آزاد می‌کند، مشروط به پایان جنگ و عقب‌نشینی کامل رژیم صهیونیستی.

اما موضوع استقرار حاکمیت بین‌المللی در غزه را رد و بر لزوم استقرار حاکمیت فلسطینی در غزه تأکید کرد. بیانیه حماس بندهای باقی‌مانده طرح ترامپ مانند بازسازی، ورود کمک‌ها و رد اشغال را حقوق ذاتی فلسطینی‌ها بر اساس قوانین بین‌المللی و قطعنامه‌های سازمان ملل دانست و بیان کرد این‌ها باید در چارچوب ملی جامع فلسطینی بررسی شوند، نه تحمیل خارجی. حماس این حقوق را غیرقابل مذاکره توصیف کرد و خواستار اجماع با جناح‌های فلسطینی شد.

همچنین حمای موضوع خلع سلاح را نیز به صورت تلویحی رد کرد؛ با تأکید بر اینکه مسائل نظامی و آینده غزه در چارچوب ملی فلسطینی بررسی شود و خلع سلاح تنها پس از پایان اشغال و تشکیل دولت فلسطینی ممکن است.

۲۲. گزارش الجزیره، متن چپشهادی صلح و آتش‌بس غزه، ۲۹ سپتامبر ۲۰۲۵

<https://www.aljazeera.com/news/2025/9/29/heres-the-full-text-of-trumps-20-point-plan-to-end-israels-war-on-gaz>

۲۳. گزارش تایمز اسرائیل، طرح ۲۱ ماده‌ای آمریکا برای پایان دادن به جنگ غزه و ایجاد مسیر برای تشکیل کشور فلسطین فاش شد، ۲۷ سپتامبر ۲۰۲۵

<https://www.timesofisrael.com/revealed-us-21-point-plan-for-ending-gaza-war-creating-pathway-to-palestinian-state/>





دستیابی به توافق آتش بس

در نهایت توافقی در ۸ اکتبر ۲۰۲۵ صورت گرفت که شامل موارد ذیل می شود:

۱- آتش بس و ورود اقلام اساسی

متن توافق ۸ اکتبر ۲۰۲۵، آتش بس فوری را برقرار می کند و ورود روزانه حداقل ۴۰۰ کامیون کمک های اساسی (غذا، دارو، آب و سوخت) از طریق رفح را تضمین می نماید.

۲- عقب نشینی مرحله اول

رژیم صهیونیستی در مرحله اول ظرف ۲۴ ساعت به خط زرد تعیین شده در داخل غزه عقب نشینی می کند تا اصطکاک با غیرنظامیان کاهش یابد. البته این رژیم تاکنون بارها آتش بس را نقض کرده است.





۳- تبادل اسرا طی ۷۲ ساعت

توافق ۸ اکتبر تبادل را در ۷۲ ساعت پس از عقب‌نشینی اسرائیل الزامی می‌کند: حماس تمام ۲۰ گروگان زنده و اجساد ۲۸ نفر را آزاد می‌کند و اسرائیل ۲۵۰ زندانی فلسطینی محکوم به حبس ابد، ۱۷۰۰ زندانی اهل غزه، همه زنان و کودکان را رها می‌نماید. این تبادل تحت نظارت صلیب سرخ انجام می‌شود.

۴- تشکیل کمیته بین‌المللی متشکل از آمریکا، قطر، مصر و ترکیه جهت بررسی روند اجرای توافق

این توافق کمیته‌ای بین‌المللی متشکل از آمریکا، قطر، مصر و ترکیه تشکیل می‌دهد تا روند اجرای فاز اول را نظارت و بررسی کند. این روند شامل تبادل اسرا، عقب‌نشینی و ورود کمک‌ها می‌شود.

۵- عقب‌نشینی به خط قرمز

در توافق ۸ اکتبر، عقب‌نشینی اسرائیل به خط قرمز داخل غزه الزامی است، که مرز امنیتی موقت را حفظ می‌کند اما مناطق شهری را آزاد می‌سازد.

۶- مذاکره برای گام‌های بعدی

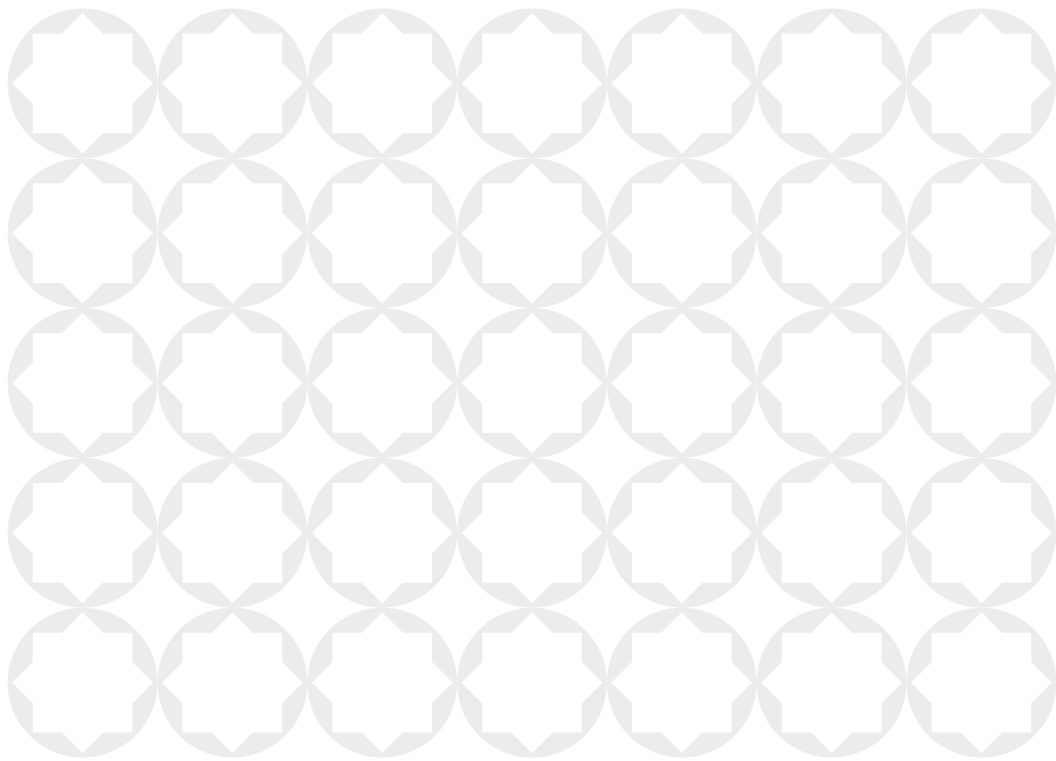
این توافق مذاکرات فوری برای فازهای بعدی شامل خلع سلاح حماس، بازسازی غزه و حاکمیت دائمی، پس از اجرای فاز اول را با میانجی‌گری کمیته بین‌المللی الزامی می‌کند.



جمع‌بندی

اتفاقات و وقایع منطقه غرب آسیا پس از طوفان الاقصی را باید در چارچوب تغییر نظم بررسی و تحلیل کرد. با عنایت به این موضوع، در مجموع می‌توان گفت جبهه مقاومت علیرغم آسیب‌های سختی به آن وارد شده، که برخی ترمیم‌ناپذیر است، اما در این نبرد پیروز میدان است. زیرا تمام برنامه‌ها و طراحی‌های رژیم صهیونیستی را برهم زد؛ به گونه‌ای که این رژیم به هیچکدام از اهداف اعلامی خود دست نیافت و در انزوای بی‌سابقه‌ای از ۱۹۴۸ به بعد فرو رفت.

همچنین محور مقاومت، توانست خود را به عنوان اصلی‌ترین بازیگر نظم‌ساز در یکی از مهم‌ترین مناطق ژئوپولیتیک جهان تثبیت کند به طوری که سایر بازیگران نمی‌توانند آن را نادیده بگیرند. اما نکته‌ای که باید همچنان به آن توجه داشت این است که جنگ همچنان ادامه دارد و دارای ابعاد گوناگونی است. لذا باید کاملاً مراقب طراحی دشمن بود و همزمان خود نیز به عنوان یک بازیگر فعال به ایفای نقش پردازیم.



ISA CENTER
International & Strategic
Analysis Center